

## قیام عاشورا از دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت

(با تکیه بر آثار بخاری، طبری و ذهبی)

دکتر سید احمد عقیلی<sup>۱</sup>

ثریا ریگی<sup>۲</sup>

### چکیده

حادثه کربلا از وقایع مهم و به یادماندنی تاریخ اسلام است که مقاصد و مفاهیم والا و پرارزشی را در بردارد. با توجه به اهمیت واقعه عاشورا، اکثر مورخان اسلامی - که اهل سنت می‌باشند - به توجه و تامل این واقعه بزرگ پرداخته‌اند. از جمله مورخان بزرگ اهل سنت می‌توان بخاری، طبری، ذهبی و غیره را نام برد که مقاله حاضر به بررسی نگرش این سه تاریخ نگار اسلامی درباره نهضت عاشورا می‌پردازد. از دیدگاه این منابع قیام امام حسین علیه السلام، نهضت فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که برای خدا قیام کرد. اساس آن آزادی، عدالت و شرافت است، او می‌خواست تا مردم از ظلم و جور حاکمان زمان رهایی یابند و برای تحقق این آرمان والا و الهی با عشق و ایمان و با کمال شجاعت و شهامت قدم برداشت و در نهایت با شهادت وجود با ارزش خویش به همگان درس آزادی و عزت آموخت. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، ارائه پاسخی مستدل به این پرسش اساسی است که دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت با تأکید بر سه کتاب (بخاری، طبری، ذهبی) در مورد قیام عاشورا چگونه است؟ رهیافت این پژوهش که با

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام (Email: s.rigi91@yahoo.com).

رویکرد توصیفی- تحلیلی حاصل شد نشان می‌دهد که دیدگاه مشترک این منابع نسبت به نهضت امام حسین علیه السلام، توأم با ارادت خاصی نسبت به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله حضرت حسین علیه السلام می‌باشد. به طوری که بزرگان اهل سنت در منابع به ایشان لقب سیدالشهدا داده‌اند و شهادت مظلومانه آن حضرت و یارانش را در کربلا با برگزاری مراسم طبق اعتقادات خودشان از جمله، نماز خواندن و روزه گرفتن در روز عاشورا گرامی می‌دارند.

**کلیدواژه‌ها:** قیام عاشورا، امام حسین علیه السلام، بخاری، طبری، ذهبی.

### مقدمه

اساساً یکی از اهداف بزرگ امام حسین علیه السلام مبارزه با جهل و نادانی و تلاش برای آزادی و آزادگی بود و بر این امر تأکید داشت که هرگز تن به ذلت در مقابل زورگویان نخواهد داد، این امر باعث شد تا به جنگ نابرابر تن بدهد که در آن تعداد زیادی از یاران باوفایش به شهادت رسیدند و در تاریخ به نام حادثه کربلا ثبت شد، حادثه‌ای که در یاد و خاطره مسلمانان ثبت شده و فراموش نخواهد شد و هر ساله با برگزاری مراسم عزاداری با روش خاص در میان آنان شهادت مظلومانه خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله گرامی داشته می‌شود، در واقع قیام عاشورا از وقایع بزرگ و سرنوشت‌ساز است به طوری که رهبر قیام امام حسین علیه السلام را به الگو و نمونه برای سایر رهبران جهان اسلام در مبارزه با ظلم و جور زمانه تبدیل کرد. تمامی ادیان و مسلمانان از جمله اهل سنت ارادت خاصی نسبت به امام حسین علیه السلام دارند و ایام محرم و شهادت آن حضرت و یاران باوفایش را گرامی می‌دارند، اهل سنت با نماز خواندن و تلاوت قرآن درده روز ایام محرم و همچنین روزه گرفتن در روز تاسوعا و عاشورا ارادت و عشق خود را به امام حسین علیه السلام نشان می‌دهند.

آنچه مقرر است در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گیرد، دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت از جمله بخاری، طبری و ذهبی در مورد قیام عاشورا است. بر این اساس مقاله حاضر به دنبال پاسخی در خور به این سوال است که منابع تاریخی فوق که

همه از بزرگان اهل سنت می‌باشند چه عقیده و دیدگاهی درباره حادثه کربلا در آثار خویش ابراز داشته‌اند؟

فرض اصلی مقاله آن است که منابع تاریخی فوق چنین معتقدند که قیام عاشورا انقلابی بزرگ در تاریخ اسلام است که در آن خاندان پیامبر ﷺ به شهادت رسیدند. به طوری که هرگز در میان مسلمین فراموش نشده بلکه هر ساله با فرارسیدن ایام محرم گرامی داشته می‌شود، اهل سنت هم ارادت خاصی نسبت به امام حسین علیه السلام دارند و با آداب و رسوم خاص با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابراز همدردی می‌کنند.

درباره پیشینه تحقیق نظر به اهمیت موضوع قیام عاشورا، در دهه‌های اخیر، تحقیقات دامنه‌داری توسط بزرگان اهل سنت با استناد به منابع دست اول از جمله طبری، بخاری، ذهبی و غیره صورت گرفته که به واقعه عاشورا به صورت کلی و یا موردی توجه کرده‌اند. از جمله تحقیقات جدید که در این زمینه به نگارش درآمده: سیرت امام حسین علیه السلام نوشته اسماعیل ارباب؛ شهسوار کربلا نوشته مولانا عبدالرحمن سربازی؛ شهید کربلا نوشته مفتی عبدالرحمن چابهاروی که در این پژوهش از آنها استفاده شده با این حال آنچه در پژوهش حاضر به آن پرداخته خواهد شد، ضمن تکمیل مطالعات پیشین ارائه تصویری دقیق‌تر از قیام عاشورا از دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت با تأکید بر آثار بخاری، طبری و ذهبی و بیان نمودن قسمتی از اعتقادات اهل سنت درباره این واقعه و آداب و رسوم روز عاشورا است.

### معرفی منابع مورد تحقیق

کتاب صحیح بخاری، نوشته امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری است، وی در سیزده شوال ۱۹۴ هـ در شهر بخارا در خانواده متدین دیده به جهان گشود، تحصیلات خود را از مکاتب سنتی شهر بخارا آغاز کرد و در آغاز حفظ حدیث به وی الهام گردید، سپس به حلقه درس علما شهر بخارا مانند علامه داخلی روی آورد، تألیفات زیادی از خود به جای گذاشت از جمله: کتاب قضایا الصحابه والتابعین و اقاویلهم، التاریخ الکبیر، الادب المفرد، اسامی الصحابه،

التاریخ الكبير، التاريخ الاوسط وغيره... کتاب الجامع الصحيح من السنن حديث رسول الله وسنه وایام معروف به صحيح بخاری، به اتفاق مسلمانان صحيح ترين کتاب بعد از قرآن کریم است، امام بخاری در مدت ۱۶ سال آن را از میان احادیثی که حفظ داشت نوشت، اومی گوید:

هر وقت حدیثی را می خواستم بنویسم ابتدا غسل کرده دو رکعت نماز می خواندم سپس استخاره می نمودم و پس از یقین از صحت حدیث آن را ذکر می کردم.  
(بخاری، ۱۴۱۳: مقدمه)

این کتاب در قرون گذشته مورد توجه علمای مسلمین قرار گرفته است به طوری که بیش از صد شرح تعلیق و حاشیه بر آن نوشته شده است که از میان آنها می توان به شرح فتح الباری، تألیف علامه ابن حجر عسقلانی و عمد القاری اثر بدرالدینی عینی اشاره کرد که در نوع خود بی نظیر هستند و بهترین شرح های صحيح بخاری به شمار می روند. این کتاب حاوی احادیث صحيح رسول الله می باشد که در این پژوهش قسمت هایی که ایشان به قیام امام حسین علیه السلام اشاره داشته اند مورد توجه ودقت واقع شده است، بخاری در این کتاب به تحلیل واقعه عاشورا اشاره کرده ابتدا به نسب و فضائل آن حضرت و دعوت مردم کوفه و سپس شهادت امام حسین علیه السلام و مهم ترین که درباره اعتقاد اهل سنت در مورد عزاداری و روزه روز عاشورا پرداخته است.

**تاریخ طبری:** اثر ابو جعفر محمد بن جریر طبری می باشد که به زبان عربی نوشته شده است. از کتاب های تاریخ عمومی است از دو بخش تاریخ جهان و اسلام تشکیل شده است، قسمت زیادی از بخش تاریخ اسلام این کتاب به وقایع تاریخ اسلام پرداخته و وقایع را به صورت سال شمار هجری آورده است. طبری به دلیل این که فقیه و متکلم بود روایت مربوط به تاریخ اسلام را با وقوف ودقت بیشتری می آورد. طبری در جلد هفتم کتاب تاریخ طبری حوادث سال ۶۱ هجری را به طور مفصل توضیح داده است از ابتدای حرکت امام حسین علیه السلام به طرف کوفه و بیعت نکردن با یزید تا چگونگی شهادت امام حسین علیه السلام پرداخته و تمام جوانب قیام عاشورا را مورد بررسی قرار داده که در پژوهش حاضر به آن پرداخته خواهد شد.

**سیر اعلام النبلاء:** نوشته شمس الدین محمد بن احمد ذهبی مورخ و محدث مشهور و نویسنده پرکار سده هشتم هجری است. وی تاریخ هفتصد ساله اسلامی را به هفتاد دهه تقسیم کرد و به هر دهه عنوان طبقه داد. وی مختصری از این کتاب را فراهم آورد و آن را العبر فی خبر من غیر نامید، وی خلاصه‌ای از تاریخ اسلام از آغاز تا ۷۴۴ و وفات مشاهیر هر سال به شیوه سال شمار نگاشت و آن را دول اسلامی نامید. علاوه بر این وی تألیفات زیادی در حدیث رجال و تاریخ دارد از جمله: میزان الاعتدال، الکاشف، المغنی فی الضعفا، سیر اعلام النبء و تاریخ اسلام. در جلد سوم این کتاب به قیام امام حسین علیه السلام پرداخته که در این پژوهش مورد استفاده واقع شده است. از فضائل امام حسین، دعوت مردم کوفه و نامه‌های که برای آن حضرت فرستادند، شهادت مسلم بن عقیل و سایر حوادث واقعه کربلا را مورد بررسی قرار داده است.

**نسب و فضائل امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی اهل سنت:** ایشان ابو عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب فرزند دوم علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. امام حسین علیه السلام لقب‌های متعددی دارد، که عبارتند از: سید، وفی، ولی، مبارک، سبط، شهید کربلا (ابن الجوزی، ۱۴۰۱: ۲۱۰). عده‌ای از بزرگان و منابع اهل سنت هم امام حسین علیه السلام را لقب سید الشهداء داده‌اند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سرور شهیدان حمزه بن عبدالمطلب است و همچنین مردی که در مقابل حاکم ظالم قیام می‌کند و او را امریبه معروف و نهی از منکر کند و به دست او کشته شود.

امام حسین علیه السلام در پنجم شعبان سال چهارم هجری در مدینه منوره به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این روز بی نهایت خوشحال گردید به دیدارش رفت و کام او را با آب دهان خویش متبرک ساخته و در حق وی دعای خیر کرد و فرمود: پسر مرا چه نام نهاده‌اید؟ حضرت علی علیه السلام در جواب گفت: او را حرب جنگاور نامیده‌ام، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نام او حسین است و در روز هفتم ولادتش آن حضرت گوسفندی عقیقه کرد و فرمود: موی سرش را بچینید و هم وزن آن نقره صدقه دهید (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج: ۱: ۱۵۸). امام حسن و حسین علیه السلام در دوران کودکی همواره مورد لطف و عنایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشتند تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن دورا فرزندان خود نامید و هرگاه پیش حضرت

فاطمه علیها السلام می آمد، می فرمود: فرزندانم را نزد من بیاورید و فرمود: آن دو برادر دوگل خوشبوی من در دنیا هستند (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۸۸) و حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشتی اند (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۹).

علاوه بر این روایت ها فراوانی در مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به امام حسن و حسین علیهم السلام وجود دارد، یعلی بن مره می گوید:

روزی امام حسین علیه السلام در کوچه بازی می کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست هایش را دراز کرد امام حسین علیه السلام به این سو و آن سو می رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله او را خندانند و در بغل گرفت و فرمود: حسین از من است و من از حسین ام، خداوند دوست بدارد کسی را که حسین را دوست می دارد. (ابن ماجه، ۱۴۱۶، ج ۱: ۹۷)

جابر بن عبدالله هم روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد به حسین بن علی نگاه کند. (ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۲۱)

در واقع همه این روایات دلالت بر فضائل و مناقب والای حضرت حسین علیه السلام دارد. خلفای راشدین و سایر صحابه هم برای حضرت حسن و حسین علیهم السلام که از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، بی نهایت احترام قائل بودند و آن دو نفر را دوست می داشتند و همواره آنان را مورد بزرگداشت و احترام قرار می دادند، خلیفه اول در مورد احترام به اهل بیت فرمود: حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد احترام به اهل بیت آن حضرت مراعات کنید (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۷۹).

عقبه بن حارث هم روایت می کند. روزی ابوبکر را دیدم که امام حسین علیه السلام را بلند کرده و می گوید: به جان پدرم به پیامبر صلی الله علیه و آله شبیه است. علامه ابن کثیر دمشقی روایت می کند که خلیفه اول امام حسین علیه السلام را مورد اکرام و بزرگداشت قرار می داد. خلیفه سوم هم نسبت به فرزندان حضرت علی علیه السلام اظهار محبت می کرد تا آنجا که امام حسن و حسین علیهم السلام را از شرکت کنندگان غزوه بدر به شمار می آورد (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۳: ۲۹۶). در واقع همه این روایت ها بیانگر این مطلب است که امام حسین علیه السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، خلفای

راشدین و سایر صحابه مقام والایی داشته و به وی احترام می گذاشتند.

### خصوصیات برجسته امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام از ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی بسیار والایی برخوردار بود که او را به پیامبر صلی الله علیه و آله از هر حیث مشابه می ساخت، آن حضرت در اوج بخشندگی و گذشت از دو صفت ممتاز و شایسته انسانی یعنی وفا و شجاعت برخوردار بود، در مقام برخورد با مردم کسی را تخطئه نمی کرد، بلکه همواره در آموزش و ایجاد بینش عمیق دین سعی و تلاش می کرد. امام حسین علیه السلام بخشنده، وفادار و شجاع بود به همین دلیل پس از وفات برادرش علیه معاویه قیام نکرد، زیرا برادرش با او صلح کرده و پیمانی برقرار ساخته بود و زمانی که یارانش او را ترغیب کردند تا با معاویه به مبارزه برخیزد و خلافت را از او بازستاند به آنان گوشزد کرد که معاویه با برادرش پیمانی دارد که تا موعدهش فرا نرسیده نقض آن روا نیست که این امر نشان دهنده وفاداری اش به عهد و پیمان بود.

علاوه بر این امام حسین علیه السلام در شجاعت نمونه بود، وی در نبردهای آفریقای شمالی، طبرستان و قسطنطنیه شرکت داشت و در تمامی نبردهای پدر بزرگوارش از جمل تا صفین در رکاب وی حاضر بود که نشان از شجاعت وی بود اما اوج شجاعت حضرت حسین علیه السلام در حادثه کربلا بود.

امام حسین علیه السلام شخصیتی عاطفی، مهربان، فروتن و بخشنده بود و در راه فراهم آوردن نیازمندی‌های مردم بسیار کوشا بود و همه تلاش و کوشش خویش را در جهت برطرف کردن ناراحتی‌ها و اندوه‌های مردم به کار می برد، روایت شده روزی گذرش بر گروهی از یمنوایان افتاد که خوراک می خوردند و آن حضرت را به خوردن خوراک دعوت کردند که پیاده شد و با آنان خوراک خورد و فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم، شما هم باید دعوت مرا بپذیرید، سپس از آنها برای یک مهمانی در خانه خویش دعوت به عمل آورد (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۷: ۹۸).

ذهبی از مورخان اهل سنت می گوید: امام حسین علیه السلام در عبادت و نیایش خداوند متعال الگو و نمونه بود و برای رسیدن به این آرمان جان خویش را از دست داد، آن

حضرت افزون بر نمازهای پنج‌گانه بسیار به نمازهای سنت و نافله علاقه داشت و روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را در نیایش خداوند سپری می‌کرد. مصعب روایت می‌کند که امام حسین علیه السلام بیست و پنج بار با پای پیاده حج خانه خدا را انجام داد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۷۸).

امام حسین علیه السلام آن چنان در عبادت و تقوا نمونه بود که در جهاد هم نماز را برپا می‌کرد، امام حسین علیه السلام در جریان نبرد به موذن دستورداد بانگ اذان گوید تا نماز بخوانند بعد از برپایی نماز حمد خداوند گفت و فرمود:

ای مردم اگر پرهیزگار باشید و حق را برای صاحب حق بشناسید بیشتر مایه رضایت خداوند است. (طبری، ۱۳۶۹، ج ۷: ۲۹۹۱)

اکثر منابع تاریخی اهل سنت از جمله بخاری، طبری و ذهبی و کسانی که بعداً از کتاب‌ها این مورخان استفاده نموده‌اند به تقوا و فروتنی و رشادت‌ها امام حسین علیه السلام اشاره کرده‌اند.

### امام حسین علیه السلام در روزگار خلافت یزید

پس از آن که یزید بر مسند خلافت نشست، هیچ غمی جز بیعت حسین بن علی، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر نداشت، زیرا به خوبی می‌دانست که این افراد در رأس کسانی قرار دارند که در زمان معاویه از بیعت با او سرباز زدند به همین دلیل یزید در اولین اقدام برای حاکم مدینه ولید بن عتبّه نامه‌ای ارسال کرد و از او خواست تا از امام حسین علیه السلام، عبدالله بن عمرو و عبدالله بن زبیر که از بیعت با او سرباز زده‌اند را وادار به بیعت کند (ابن خلدون، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۰۳).

ولید پس از دریافت نامه مروان بن حکم را که حاکم قبلی مدینه بود برای مشورت فراخواند و از او نظر خواست، مروان دستورداد تا افرادی را نزد امام حسین، عبدالله بن عمرو و عبدالله بن زبیر بفرستد و از آنان برای یزید بیعت بگیرد و اگر امتناع کردند در این صورت گردنشان را بزنند، فرستاده ولید نزد حسین بن علی و عبدالله بن زبیر رفت و هر دو بزرگوار را در مسجد یافت و پیام حاکم مدینه را به آنان ابلاغ کرد، امام



حسین علیه السلام با فهم و فراست خاصی که داشت حقیقت را دریافت و فرمود: چنین به نظر می‌رسد که معاویه درگذشته و حاکم مدینه می‌خواهد قبل از انتشار این خبر از ما برای یزید بیعت گیرد.

عبدالله بن زبیر نیز فرموده ایشان را تایید کرد، امام حسین علیه السلام برای تحقق بیشتر تصمیم گرفت تا نزد حاکم مدینه حاضر شود لذا به کسانی از یاران خویش فرمان داد تا سلاح بگیرند و همراه او به خانه ولید بن عتبه بیایند و به آنان توصیه کرد اگر دیدید من شما را فراخواندم و یا این که شنیدید صدایم بلند شده است همگی شتابان به کمک من آیید در غیر این صورت کاری نکنید تا به نزد شما برگردم، چون بیعت با یزید را به آن حضرت پیشنهاد کردند، گفت: من پنهانی بیعت نمی‌کنم هرگاه امیر در مسجد حاضر شد و مردم را به بیعت با یزید فراخواند من نیز همراه ایشان بیعت خواهم کرد (طبری، ۱۳۶۳، ج ۷: ۲۹۰۵).

حاکم مدینه علی‌رغم مخالفت مروان پیشنهاد امام حسین علیه السلام را پذیرفت، اما پس از آن که حضرت به خانه بازگشت تصمیم گرفت تا شب هنگام به مکه هجرت کند، عبدالله بن زبیر نیز به همراه برادرش جعفر در همان شب از مدینه به سوی مکه عازم شد و در آنجا مورد احترام و توجه بزرگان شهر قرار گرفت و گروه‌های مختلفی از مردم اطراف ایشان جمع شدند و به سخنان شیوایی او گوش فرادادند، ابن زبیر هم در جوار خانه کعبه عبادت و نیایش می‌پرداخت و بعد از ادا نماز به همراه تعداد زیادی از مردم به نزد امام حسین علیه السلام می‌رفت.

مردم کوفه هم که در این مدت با فضائل امام حسین علیه السلام آشنایی داشتند و به زهد و تقوای خاندانش معتقد بودند و زمانی که شنیدند معاویه فوت شده و کار خلافت به یزید واگذار شده و امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید امتناع ورزیده و به مکه آمده است نامه‌های فراوانی به حضرت نوشته و او را دعوت نمودند به کوفه بیاید (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۹۹).

امام حسین علیه السلام درنگ می‌کرد که به این همه دعوت چه پاسخی دهد اما در نهایت پسرعمویش مسلم بن عقیل را جهت ارزیابی آن دیار به کوفه فرستاد، مسلم بعد از ورود به

کوفه با استقبال گرم مردم روبه‌روگردید و هزاران نفر از مردم کوفه به نیابت امام حسین علیه السلام با وی بیعت نمودند، مسلم سپس به حضرت نامه نوشت و اوضاع مساعد کوفه و اشتیاق مردم را به امام حسین علیه السلام گزارش داد، از طرفی برخی اهالی کوفه طی نامه‌ای یزید را از وقایع کوفه و آمادگی مردم در بیعت با حضرت مطلع ساختند، یزید پس از شنیدن این خبر امارت کوفه را به عبیدالله بن زیاد واگذار کرد و به وی دستور داد تا به محض ورود به کوفه مسلم بن عقیل را تبعید یا به قتل برساند، این زیاد به کوفه آمد و مردم را با تهدید و تطمیع از اطراف مسلم بن عقیل پراکنده ساخت به طوری که در پایان مسلم تنها ماند، سرانجام سربازان ابن زیاد مسلم بن عقیل را محاصره کردند و او را نزد عبیدالله بن زیاد بردند، ابن زیاد پس از گفتگو با وی دستور داد تا گردنش را بزنند جلادان ابن زیاد مسلم بن عقیل را در حالی که تکبیر می‌گفت به بالای قصر الاماره برده و سرش را از تنش جدا کردند، با این حال امام حسین علیه السلام یک روز پیش از آن، از مکه به سوی کوفه حرکت کرده بود و از شهادت مسلم بن عقیل اطلاع نداشت بسیاری از دوستان حضرت حسین علیه السلام هنگامی که شنیدند ایشان قصد عزیمت به کوفه را دارد از وی خواستند تا از رفتن خودداری نماید و از بی وفایی‌ها و عملکرد نادرست اهل کوفه یاد کردند اما امام حسین علیه السلام از تصمیم خود منصرف نشد و به راهش ادامه داد.

کاروان امام حسین علیه السلام در نزدیکی کوه بلند با گروهی از لشکر عبیدالله بن زیاد روبه‌رو شد که فرماندهی آن را حبر بن یزید در راس هزار سوارکار بر عهده داشت آنان فرمان یافته بودند که امام حسین علیه السلام را رها نکنند و او را نزد عبیدالله بن زیاد در کوفه آورند، آنگاه امام حسین علیه السلام راه غریب را در پیش گرفت و سوارکاران ابن زیاد همچنان ملازمش بودند، روز دوم محرم ۶۱ هجری حضرت حسین علیه السلام در یکی از نواحی نینوا به نام کربلا فرود آمد و در آنجا خیمه‌های خویش را برافراشتند. فردای آن روز عمر بن سعد با چهار هزار نفر از کوفه رسید و در مقابل یاران حضرت صف آرایی کرد مذاکراتی در میان سران دولشکر انجام گرفت اما نتیجه‌ای در بر نداشت هنگامی که حضرت حسین علیه السلام مشاهده کرد این قوم با او به فریب و خدعه برخاسته‌اند تصمیم به دعوت آنها گرفت، عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله را بر سر نهاده و بر شتر پیامبر صلی الله علیه و آله سوار شد و بر فراز جایگاه بلندی قرار گرفت تا مردم صدای او را

بشنوند آنگاه با صدای بلند و رسا پس از حمد و ستایش خداوند فرمود:

نسبم را به یاد آورید که من کیستم، کشتن و شکستن حرمت من چگونه روا خواهد بود مگر نه که من فرزند دختر پیامبرتانم؟ آیا نشنیده‌اید که رسول خدا ﷺ درباره من و برادرم فرمود: اینان سرور جوانان بهشتی‌اند وای به حالتان (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۷: ۱۰۰). آیا کسی از شما را کشته‌ام و خون او را می‌خواهید یا این که مالی از شما را از بین برده‌ام که از من کیفر آن را می‌خواهید و قصد دارید در این باره انتقام بگیرید؟

سپس نام آن دسته از مردم کوفه را به زبان آورد که او را برای بیعت دعوت کرده بودند و در سپاه ابن زیاد به جنگ او آمده بودند از این سخنان زمین زیرپای آنان لرزید و گروهی از لشکر دشمن به صف امام حسین علیه السلام پیوستند از جمله حر بن یزید یکی از فرماندهان بزرگ سپاه ابن زیاد به امام حسین علیه السلام و یاران او ملحق گردید (عقاد، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

### آغاز نبرد خونین

روز جمعه دهم محرم عمر بن سعد با لشکر همراهش وارد جنگ شد، امام حسین علیه السلام به اصحابش دستور داد تا در نقاط معینی مستقر شوند، یاران حضرت ۷۲ تن بودند که سی و دو نفر سواره و چهل نفر پیاده بودند پرچم در دست عباس بن علی علیه السلام بود. همین که قوای دشمن جلو آمد حضرت دستانش را به طرف آسمان بلند کرد و شروع به دعا خواندن کرد، پریشانی و اضطراب سپاهیان دشمن را فرا گرفته بود تا آن که عمر بن سعد خود را به نزدیکی اردوگاه حضرت رساند و تیری را به سوی خیمه‌هایش پرتاب کرد و بانگ زد: در نزد امیر برای من گواهی دهید نخستین کسی بوده‌ام که به سوی حسین تیر انداختم. آنگاه تیرهای پیاپی به سوی اردوگاه امام حسین علیه السلام رها می‌شدند و آن حضرت به تیرها و یارانش می‌نگریست و فرمود: یاران بزرگوار من از جای برخیزید و بدانید که این تیرها پیام‌آوران شوم این مردمانند برای ما و بدین ترتیب جنگ آغاز شد و یاران حضرت شجاعت و رشادتی از خود نشان دادند که نظیر آن را جز در حماسه و افسانه‌ها نمی‌توان سراغ داشت.

لشکر باطل با آن که تعدادش زیاد بود از پایمردی در برابر سپاه حق ناتوان ماند تا آنجا که هر لحظه سوارکاری از آنان کشته و نقش زمین می شد، سرانجام عروقه بن قیس جلودار سوارکاران لشکر ابن زیاد به ابن سعد گفت: آیا نمی بینی که چگونه امروز لشکر من در برابر این مردمان اندک شمار نقش بر زمین می شوند به سوی آنان پیاده نظام و تیراندازان را بفرست، آنگاه پانصد نفر به فرماندهی حصین بن نمیر بر سر یاران امام حسین علیه السلام باران تیر رها کردند تا آنجا که چنان برتن و جان لشکر امام حسین علیه السلام نیزه و تیر نشست که از کار افتادند و سوارکاران و پیاده نظام همگی زخمی شدند و بسیاری هم به شهادت رسیدند، حربن یزید همراه با امام حسین علیه السلام با کمال شجاعت و دلیری جنگید و بسیاری از دشمنان را از پای درآورد و سرانجام خودش به شهادت رسید، خاندان امام حسین علیه السلام و برادران گرامیش در راه دفاع از امام حسین علیه السلام یکی پس از دیگری به جنگ پرداختند و به شهادت رسیدند، هنگام ظهر امام حسین علیه السلام و تعدادی از یارانش نماز خوف خواندند دشمن به حضرت نزدیک شده بود که یکی از یاران با وفایش خود را سپر قرارداد تا این که به شدت مجروح شد و بر زمین افتاد و آنگاه زهیر بن القین از حضرت دفاع نمود و سخت جنگید تا شهید شد، حضرت علی اکبر در این روز با نیزه مره بن منذشقی به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام با دیدن این صحنه فرمود: «خداوند این قوم را هلاک گرداند که تورا شهید کردند، چقدر این قوم جاهل و نادانند.»

در شدت تشنگی و گرمی امام حسین علیه السلام به نبردش ادامه داد، اما وقتی دید که فرزندش عبدالله از شدت درد و تشنگی به خود می پیچید با گلیی گرفته از حزن و اندوه او را به قصد سیراب کردن بردستان خویش بالا آورد و به مردمان ستمکار گفت: اگر در حق ما از خداوند پروا نمی دارید درباره این کودک از خداوند بهر اسید، آنگاه یکی از دشمنان تیری به سوی کودک معصوم پرتاب کرد و گفت: بیا با این سیرابش کن، تیر بر سینه کودک اصابت کرد، حضرت حسین علیه السلام مستی از خون کودک را به آسمان فروپاشید و فرمود: پروردگارا اگر از آسمان پیروزی را بر ما دریغ داشته ای آن را بهر آنچه برتر از آن است قرار ده و برای ما از این قوم ستمکار انتقام بگیر (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۰۳).

امام حسین علیه السلام در جنگ با لشکر انبوهی که بر او یورش می آوردند یکه و تنها ماند گاه به

افرادی که او را محاصره کرده بودند حمله می‌کرد و به تنهایی صفوف آنان را درهم می‌شکست اما کسی جرات حمله به حضرت را نداشت زیرا به شهادت رساندن آن بزرگوار بر آنان بسیار دشوار بود و کسی که مرتکب چنین گناهی می‌شد کیفر سختی از جانب خداوند در انتظارش بود تا آن که شمر بن ذی الجوشن برآشفست و فریاد زد: وای به حالتان درباره این مرد چشم به چه داشته‌اید مادران به عزایتان بنشینند او را بکشید، از بیم نکوهش و کیفر شمر پیش چشمان او بر آن حضرت یورش آوردند و زرعة بن شریک تمیمی ضربه‌ای بردست چپ آن بزرگوار وارد ساخت، کسی دیگر ضربه‌ای بر شانه مبارکش فرود آورد و بدین سان حضرت حسین علیه السلام نقش زمین شد اما آنان همچنان حضرت را آماج نیزه‌ها و شمشیرهای خود قرار دادند به طوری که روایت شده پس از شهادتش سی و سه ضربه نیزه و سی و چهار ضربه شمشیر بر وجود مبارکش مشاهده شد.

آنگاه سنان بن ابی عمرو اصبحی سر مبارک آن بزرگوار را از تن جدا کرد و به خولی بن یزید داد سپس ده سوارکار بنا بر فرمان ابن زیاد پیکرهای مقدس شهیدان را زیر سم اسبان خویش لگدمال کردند، آنگاه سرها را بردند و پیش چشم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را بر نیزه افراشتند و پیکرهای شهیدان را افتاده بر پشت بر زمین رها کردند و از کنار زنان اندوهگین و مصیبت دیده اردوگاه حضرت حسین علیه السلام گذشتند. در این هنگام زینب فریاد زد: یا محمد! این حسین است که بر خاک خفته است و دخترانت را به اسارت گرفته‌اند و همه فرزندان را کشته‌اند و اینک باد صبا بر آنان وزیدن گرفته است (عقاد، ۱۳۸۰: ۱۳۹)

پیکرهای پاک شهیدان حق بر خاک افتاده بود تا آن که افرادی از قبیله بنی‌اسد که در آن نواحی سکونت داشتند بدان جا آمدند و بر پیکرهای مطهر آنان نماز گزارند و آنان را دفن کردند.

همه مورخان از جمله طبری، بخاری و ذهبی معتقدند که سرهای کشته شدگان را به همراه زنان به کوفه بردند و ابن زیاد فرمان داد تا سرهای آنان را میان قبائل کوفه بگردانند، صبح فردای آن روز سر مبارک امام حسین علیه السلام را به قصر ابن زیاد بردند و با تکه چوبی

دندان‌ها و لب‌های مبارکش را می‌شکستند در این هنگام زید بن ارقم از اصحاب رسول خدا ﷺ آنجا بود و فریاد زد: چو بدستی را از این دندان‌ها برگیر سوگند به ذاتی که معبود راستینی جزء او نیست من خود لبان مبارک رسول خدا ﷺ را بر این لبان دیده‌ام که آنها را می‌بوسید، آنگاه با چشمان اشک‌بار از آنجا بیرون آمد و خطاب به مردم کوفه گفت: ای ملت عرب شما فرزند حضرت فاطمه علیها السلام را به قتل رساندید و پسر این زیاد را امیر خود ساختید در حالی که او بهترین افراد را شکنجه و به بردگی گرفته شما را چه شده که به این ذلت و خواری تن داده‌ای (طبری، ۱۳۶۹، ج ۷: ۳۰۷۹).

این زیاد با وقاحت تمام سر آن حضرت و یارانش را افراشته بر نیزه‌ها به دمشق فرستاد، آن‌گاه زنان اهل بیت را همانند اسیران جنگی سوار بر شتر به دنبال آنان روانه ساخت تا این‌که کاروان سرهای از تن جدا شده شهیدان و زنان در بدر به هم رسیدند و با هم بریزید وارد شدند در این هنگام رفتار زنان درباریزید بهتر از خود یزید با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، آنان به زینب و فاطمه دختران امام حسین علیه السلام دلداری دادند و از آنان خواستند تا بگویند در کربلا چه چیزی را از آنان باز ستاده‌اند تا همانند و حتی بیشتر از آنها را به آنان بازگردانند، سرانجام یزید به نعمان بن بشیر کارگزار قبلی خویش در کوفه فرمان داد تا آل حسین علیهم السلام را به مدینه ببرد.

### سرانجام یزید

یزید در دوران حکومت خویش کارها و اعمال بسیار زشت و سنگینی را مرتکب شد که بر هیچ کس پوشیده نماند و باعث انزجار مسلمانان از وی شد، یزید عملکرد این زیاد را تایید کرد هیچ یک از کارگزارانش را به علت فاجعه کربلا کیفر نداد و خودش همان سیاستی را در پیش گرفت که کارگزارانش اعمال می‌داشتند، چنان‌که در یک عمل وحشتناک و دور از انتظار حرمت مدینه النبی را شکست و لشکری به فرماندهی مسلم بن عقبه بدانجا گسیل داشت که مردم مدینه را به زنجیر کشیدند و بسیاری از مهاجران و انصار و فرزندان ایشان را به شهادت رساندند. علاوه بر این، یورش گستاخانه یزید به مکه مکرمه آغاز شد، اما فرمانده خونخوار آن که قصد داشت همان وقایعی را که در مدینه

مرتکب شده بود در مکه انجام دهد که در راه مرد . سپس لشکر یزید مکه مکرمه را به محاصره خود در آورد و بعد از چند روز جنگ و درگیری پیغام رسید که یزید مرده است و در آن هنگام لشکریان یزید دست از محاصره برداشتند و متفرق شدند. اما عمل زشت تروی فاجعه کربلا و قتل عام اهل بیت رسول خدا ﷺ بود.

در کتاب های عقاید و تاریخ اهل سنت از قاتلان امام حسین علیه السلام به صراحت اعلام انزجار و تبری شده و بر آنان لعن و نفرین شده است .  
احمد سرهندی مشهور به مجدد ثانی می گوید:

یزید بی دولت در زمره فسقه است و توقف در لعنت او بنا بر اصل مقرر اهل سنت است که شخص معین را اگرچه کافر باشد تجویز لعنت نکرده اند مگر آن که به یقین معلوم کنند که ختم او بر کفر بوده نه آن که او شایان لعنت نیست .

برخی دیگر از محققان اهل سنت به صراحت یزید را مورد لعن قرار داده اند و اعمال ناشایست و سیاست او را مورد انتقاد قرار داده اند از جمله : شیخ عبدالحق دهلوی می گوید:

وی مبعوض ترین مردم نزد ما است و کارهای که این بدبخت بی سعادت در این امت کرده هیچ کس نکرده است ، بعد از قتل امام حسین علیه السلام و اهانت اهل بیت لشکری برای تخریب مدینه منوره و قتل عام در آنجا فرستاده و بسیاری از صحابه و تابعین را امر به قتل داده و بعد از تخریب مدینه هم امر به انهدام مکه معظمه و قتل عبدالله بن زبیر کرده که دیگر احتمال توبه و رجوع او را خدا داند ، حق تعالی دل های ما را و تمام مسلمانان را از محبت و موالات وی و اعوان و انصار وی و هر که با اهل بیت نبوی بد بوده و بد اندیشیده و حق ایشان را پایمال کرده و با ایشان به راه محبت و صدق عقیدت نیست و نبوده نگه دارد و ما را در زمره محبان اهل بیت محشور گرداند (دهلوی، ۱۴۱۲: ۱۷۳).

احمد بن عبدالحلیم مشهور به ابن تیمیه هم می گوید:

همانا یزید از پادشاهان مسلمان بود که در کل کارهای بدی انجام داد، پیشوایان میانه رو و سلف در مورد یزید و دیگر کسان که همانند او بوده اند، می گویند: نه ما

آنان را ناسزا می‌گوییم و نه به آنان محبت می‌ورزیم (ابن تیمیه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۴۷۵).

منابع مورد تحقیق از جمله بخاری، طبری و ذهبی در مورد یزید همانند اکثر مورخان اهل سنت از رفتار یزید در کشتن امام حسین علیه السلام اعلام انزجار کرده‌اند.

### دلایل وزمینه‌های وقوع حادثه کربلا از دیدگاه سه منبع مورد تحقیق

در مورد علت قیام عاشورا تفاوت چندانی بارزی بین اهل سنت با تشیع وجود ندارد و هر دو گروه در زمینه علت قیام از نقطه نظر مشترک برخوردار هستند، در بین متفکران اهل سنت از جمله بخاری، طبری و ذهبی هم دیدگاه مشترک در این مورد وجود دارد، برخی از تحلیل‌گران و متفکران ضمن این‌که دلایلی را مطرح کرده‌اند اما این حرکت را توأم با حکمت و فلسفه دانسته‌اند. در واقعه علت قیام امام حسین علیه السلام این بود که حکومت ستم کار وقت از امام حسین علیه السلام بیعت اجباری می‌خواست و ایشان از این امر سر باز زد و در جواب اصرار عبدالله بن عباس فرمود:

اگر من در جایی دیگر به شهادت برسم بهتر از آن است که حرم خداوند بخاطر من مورد تهاجم قرار گیرد.

از دیدگاه طبری قیام امام حسین علیه السلام بخاطر دعوت مردم کوفه بود که برای حضرت نامه نوشتند و اعلام حمایت و آمادگی کامل کردند، لذا عزم و هدف اصلی ایشان به وجود آوردن حکومت اسلامی بود (طبری، ۱۹۶۷، ج ۵: ۳۳۸) و بعد از دریافت نامه به طرف کوفه حرکت کرد. اما ذهبی معتقد است که قیام امام حسین علیه السلام بیشتر بخاطر امر به معروف و نهی از منکر بوده و قطع نظر از این بوده که امام حسین علیه السلام را برای بیعت تحت فشار قرار دهند و یا مردم کوفه از او دعوت کنند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۰۰).

با این حال مسئله مهم‌تر این بود که قیام امام حسین علیه السلام قیام در مقابل ظلم و جور زمان بود، البته عده‌ای از علمای اهل سنت از جمله بخاری تحلیل جالب‌تری دارند و معتقدند که امام حسین علیه السلام کاملاً علم به شهادت داشت و به این نتیجه رسیده بود که مطلقاً زمان گرفتن حکومت نیست و احتمال هم نمی‌داد که حکومت اسلامی برای او



فراهم آید به همین دلیل تنها راهی که می‌توانست انجام دهد راه شهادت بود تا از این طریق ستم کاری و ظلم زمان را برملا سازد به طوری که این حکومت تا آنجا ظلم و ستم پیشه کرده که حتی حاضر است فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را به شهادت برساند.

### نتیجه‌گیری

قیام عاشورا از انقلاب‌های مهمی است که در میان تمام ادیان پیروان و طرفدارانی دارد و امام حسین علیه السلام برای همه الگو و نمونه است، امام حسین علیه السلام شهید جاوید و زنده تاریخ اسلام است که فریاد عزت، عدالت خواهی، برابری و آزادگی را سرداد او آموخت که در مقابل ظلم و استبداد و خودکامگی مستکبران باید قیام کرد، زیرا که ذلت و خواری از ساحت ما دور است و زندگی پیکار در راه عقیده است. پیام‌های مهم و بزرگ نهضت عاشورا در طول تاریخ همواره مورد توجه انقلابیون و رهبران ملی و سیاسی جهان بوده است، مسلمانان نباید این قیام را با پیام‌های بزرگ و ارزنده فقط در اظهار غم و اندوه و با برگزاری مراسم عزاداری و عبادت خلاصه کنند، مسلمانان بدانند که امام حسین علیه السلام به آنها درس عزت، استقامت، شهادت و آزادگی داد، او داعیه امر به معروف و نهی از منکر داشت، پیامش حکومت قرآن بر مردم بود تا عدل و قسط و برادری و برابری در همه جا فراگیر شود و حکومت اسلامی به صورت فراگیر و کامل در همه ابعاد زندگی مسلمانان پیاده شود و در راه تحقق این آرمان الهی تا پای جان ایستاد. از این رو مسلمانان باید شهادت و شجاعت امام حسین علیه السلام را سرمشق زندگی خود قرار دهند و خود را به اخلاق زیبا و خصال نیکوی آن شهید بزرگوار بیاریند و از خود در مقابل ظلم و استبداد یزیدیان زمان استقامت و پایداری نشان دهند آنگاه است که مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام احساس عزت و سربلندی می‌کنند و در مقابل هیچ قدرت و حکومتی تسلیم نمی‌شوند.

غالب مورخان اسلامی به این واقعه با توجه و دقت خاص نگریسته‌اند. در این پژوهش تأکید ما بیشتر بر آثار بخاری، طبری و ذهبی است اگرچه سایر مورخان در گذشته و حال به این جریان پرداخته‌اند. هر سه مورخ مورد نظر پژوهش در اکثر موارد دیدگاه مشترک نسبت به این واقعه داشته‌اند و تفاوت بارز بین آنها نیست. نکته افتراق عقیده سه مورخ

اول در بررسی دلایل وزمینه های قیام است که هرکدام دلیل قیام امام را از منظر خویش به بحث گذاشته و نکته افتراق دیگر در آن است که بخاری به این واقعه نگاه عمیق تر داشته به طوری که دیدگاه اهل سنت را در مورد عزاداری و روزه روز عاشورا را به تأکید مورد بررسی قرار داده و برای صحت این موارد احادیثی از پیامبر و سایر بزرگان و صحابه در این باره را ذکر کرده است به طوری که مورخان در دوره های بعد برای بیان حوادث این واقعه به کتاب بخاری رجوع کرده اند.



## منابع

- قرآن.
- ابن سعد كاتب واقدي، محمد، (١٤١٠)، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ج ١.
- ابن الجوزي، سبط، (١٤٠١)، تذكرة الخواص، مؤسسه اهل بيت.
- ابن حنبل، احمد، (١٤١٤)، مسند احمد بن حنبل، مؤسسه التاريخ العربي.
- ابن ماجه، (١٤١٦)، سنن ابن ماجه، انتشارات دارالمعرفة.
- ابن حبان، (١٤١٤)، صحيح ابن حبان، انتشارات مؤسسه الرسالة.
- ابن كثير، ابوالفداء، (١٤٢٣)، البداية والنهاية، بيروت، داراحياء التراث العربي.
- ابن اثير، عزالدين ابوالحسن على بن محمد، (١٩٦٥/١٣٨٥)، الكامل في التاريخ، بيروت، دارصادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (١٣٧٩)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروين گنابادي، انتشارات علمي فرهنگي.
- ابن تيميه، احمد، (١٣٨١)، مجموع فتاوى شيخ الاسلام احمد بن تيميه، مطابع الرياض.
- ارباب، اسماعيل، (١٣٩٠)، سيرت حضرت حسين بن علي (رض)، تربت جام، انتشارات خواجه عبدالله انصاري.
- بخاري، (١٤١٢)، الجامع الصحيح، دارالكتب العلمية.
- دهلوي، عبدالحق، (١٤١٢)، تكميل الايمان، كراچي، انتشارات الرحيم اكدمي.
- ذهبي، (١٤١٣)، سير اعلام النبلاء، مؤسسه الرسالة.
- سريازي، عبدالرحمن، (١٣٨٦)، شهبوار كربلا، چابهار، جامعة الحرمين الشريفين.
- طبري، محمد بن جرير، (١٣٦٩)، تاريخ طبري، ترجمه ابوالقاسم پاينده، انتشارات اساطير.
- \_\_\_\_\_، (١٩٦٧)، تاريخ الامم الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت،

دارالتراث، چ ۲.

- طبرانی، (۱۴۰۴)، المعجم الكبير، بيروت، داراحياء التراث العربی.
- عقاد، عباس محمود، (۱۳۸۰)، واقعه كربلا، ترجمه مسعود انصاری، نشر پردیس.
- غزالی، (بی تا)، احیاء علوم الدین، ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی، انتشارات علمی فرهنگی.
- کلینی، (۱۳۷۵)، اصول کافی، انتشارات اسوه.
- نعمانی، عبدالعزیز، (۱۳۸۱)، روایتی از انقلاب عاشورا و شهادت حضرت حسین (رض)، مجله ندای اسلام، سال سوم و چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۱۹-۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵